



همسر از ابتدا در جریان فعالیت هنری من بودند و اتفاقاً در بسیاری از کارهایشان مشوق و راهنما بودند؛ مثلاً در مقطعی مادر تئاتر خود از هیچ بازیگر خانم استفاده نمی‌کردیم اما همسر گفت بیشتر تئاتر شما را همه خانواده‌ی می‌بینند و باید بازیگر خانم داشته باشید که بعداً تئاترهای خود بازیگر خانم هم اضافه شد. همسر را خیلی دوست دارم و عاشقش هستم

تئاتر

ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۴ بهمن ۹۹ • شماره ۷۴۰

اصفهان نامه

گفت‌وگو با قدرت‌ا... ایزدی، آقا رشید معروف تلویزیون

باهمین روحیه کمدی ناظم مدرسه شدم!



سال‌هاست مردم ایران، رشید را می‌شناسند و با تئاترهای تلویزیونی او خاطره بازی می‌کنند. قدرت‌ا... ایزدی یا همان آقا رشید معرف به سبک خود بازی می‌کند و بداهه‌هایی را بعضاً به کار می‌برد؛ مرز بین شوخی و جدی آنگاه برای مخاطبان مشخص نیست. در حالی که او در جدی‌ترین حالت خود هم آمیخته با طنز و کمدی صحبت می‌کند. ایزدی متولد گزبرخوار استان اصفهان است و در کودکی همراه خانواده به شهر اصفهان رفته و ساکن آنجا شده است. جرقه‌های بازیگری وی در دوران سربازی با تجربه در یک کار حاشیه‌ای زده شد اما شغل اصلی‌اش ارتباطی با آثار طنز ندارد و ناظم یک مدرسه است. آخرین کار قدرت‌ا... ایزدی تئاتر طلای رشید بوده است. او این روزها به دلیل بیماری تنفسی همسر خود در کیش زندگی می‌کند.

شما چطور وارد بازیگری شدید و نخستین تجربه‌تان در حوزه بازیگری طنزکی بوده است؟

سال ۵۹ بود و من یک موتور گازی داشتم یک روز که به سمت دروازه شیراز در حال تردد بودم، دیدم در محلی شلوغ است و مردم معرکه گرفته‌اند، نزدیک شدم دیدم فیلمبرداری است و یک سری آدم تو صف ایستاده‌اند برای تلفن کردن و یک نفری هم داخل باجه تلفن است. فیلمبردار تست می‌گرفت و از چند نفر از مردم خواست یک تکه را به نشانه اعتراض به فردی که داخل باجه است بازی کنند. من هم داوطلب شدم داخل صف باشم. چند نفر تست دادند و نتوانستند و در نهایت کارگردان آن برنامه که شهر و شهریار و به کارگردانی شهریار کرمی پدر نیما کرمی بود عصبانی شد و گفت نیازی نیست صحبت کنید فقط چند نفر به شیشه دکه بزنید و رد شوید.

من که داخل صف بودم یک‌دفعه بدون هماهنگی کارگردان در حالی که کلاه‌شاپویی نفر جلویی هم سر خود گذاشته بودم از ته صف زدم جلو و رفتم زدم به شیشه و یک تیپ داش مشتت به خود گرفتم و دیالوگی را گفتم و فرد داخل کیوسک را به بیرون کشیدم و دستش را به نشانه اعتراض و معطلی گرفتم؛ همان موقع مردم شروع به خنده کردند اما بازیگر داخل باجه از رفتار من ناراحت شد و به حالت عصبانی به کارگردان اشاره و از صحنه قهر کرد اما کارگردان من را تشویق و خواست مجدد همان حرکات را به نوعی دیگر تکرار کنم و سپس خواست در یک کار دیگر ایفای نقش کنم. حتی پیشنهاد

چرا رشید؟ کی این اسم را برای شما انتخاب کرد؟

یک تئاتری سال ۱۳۶۵ بازی کردم به نام خواستگاری که محمد نریمانی نقش اوستای من را در این تئاتر داشت. پیشنهاد نام رشید از خودم بود و خواستم هنگام ورود به صحنه نام من را رشید خطاب کند تا مردم فکر کنند یک مرد بلندقامتی می‌آید و بعداً با من رویه‌رو شوند. همین کار گرفت و من از آن زمان به آقا رشید معروف شدم. حتی در تئاتر رویای ژاپن من نقش شخصی به اسم ناصر را بازی می‌کردم ولی اصرار بر این بود که رشید نباشم، اما در صحنه‌ای که پرواز هواپیما بود و من از ته سالن نمایش روی صحنه می‌آمدم، مردم همان رشید را صدا کردند. رشید از من جدانیست.

داد فردای آن روز به سیمای اصفهان بروم تا به من را به آقای ناصر فرهمند از هنرمندان بنام اصفهان معرفی کند و همین سرآغاز فعالیت هنری من شد.

کار طنز در سال‌های اخیر چه تفاوتی کرده؟

هر چه سن بالاتر برود و فراموشی و فشار زندگی بیشتر باشد کار خندانند هم سخت‌تر می‌شود. مردم ما بسیار به سختی می‌خندند و به یاد دارم اوایل کار خندانند مردم به سختی الان نبود. مثلاً ما در آخرین کار صحنه‌ای خود به نام طلای رشید خیلی بازخورد خوب و مثبتی از مردم و حتی جانبازان و بیماران سرطانی داشتیم که می‌آمدند و تشکر می‌کردند که بعد از مدت‌ها یک شب را از ته دل خندیده‌اند. همین نفس به نفس شدن مردم با من

در تئاتر به من انرژی می‌دهد.

اوج فعالیت شما دهه ۷۰ است، چطور فعالیت هنری خود را با فعالیت در آموزش و پرورش هماهنگ می‌کردید در حالی که سال‌ها ناظم بودید؟

اوایل زیاد کسی در جریان نبود ولی بعد همه متوجه این قضیه شدند و حتی رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۴ وقت، پیشنهاد کار یک تئاتر برای ۲۲ بهمن را داد که من متنی به نام ثبت نام را نوشتم و بعد با گروهی که محمدرضا نریمانی و غفور نصولی همبازی بودند، آن را اجرا کردیم.

گویا شما اوایل کار هم به دانش‌آموزان بابت نقش رشید، می‌گفتید برادر دوقلوی من است. صحت دارد؟

بله، البته برای وقتی معلم دانش‌آموزان مقطع اول دبستان در مدرسه ترقی خیابان جی بودم. بچه‌های مقطع بالاتر همه می‌دانستند و باور نمی‌کردند و حتی می‌گفتند یک روز این برادر خود را همراه بیاور تا او را ببینیم.

آیا شغل دیگری دارید؟ در مقطعی شایع شده بود که شما پیتزا رشید را دارید؟

خیر؛ فعلاً هم در دوران کرونا برنامه‌ای روی صحنه ندارم، امیدوارم این کرونا هر چه زودتر برود تا بتوانم مجدد با تئاتر مردم را بخندانم.

در مورد پیتزا رشید هم بله. در مقطعی من پیشنهاد یک پیتزا فروشی را به تیم کاری خود دادم که قبول نکردند و بعد از سوی برخی در بانک صادرات

پیشنهاد شراکت پیتزا فروشی شد که در نهایت راه‌اندازی کردیم اما بیش از دو سال دوام نداشت و در نهایت پیتزا رشید تعطیل شد.

این روحیه طنز و کمدی از کی در شما شکل گرفت؟

از ابتدای بچگی من این روحیه را داشتم و بعدها که مدرسه می‌رفتم و با پنج ریال پول تو جیبی خودم که برای رفت‌وآمد مدرسه بود سینما می‌رفتم و در خانه هم همان حرکات بازیگران را تکرار و تحلیل می‌کردم. حتی در شغل معلمی آموزش و پرورش هم در مقطع دبستان دقیقاً همین روحیه کمدی و اجرایی همراه با درس را داشتم و بارها مورد تشویق قرار گرفتم و ناظم شدم.

از چه زمانی به عنوان چهره ملی کمدی در ایران مشهور شدید؟

من از تئاتر در صحنه‌ها و کارگاه رشید بیشتر معروف شدم. البته سریالی به اسم گردو بود که سال ۷۵ از تلویزیون سراسری پخش شد که بسیار مورد توجه قرار گرفت و آخرین کارهای کمدی من شمعدونی به کارگردانی سروش صحت در سال ۱۳۹۴ و رشید حرفه‌ای به کارگردانی مجید کاشی فروشان در اصفهان ۱۳۹۳ را داشتم.

رابطه شما با فضای مجازی چگونه است؟

این روزها که در کرونا هستیم کار تبلیغاتی انجام می‌دهم اما با واکنش زیاد خوبی مواجه نشدم، در حالی که بازیگران تهران نشین هم کار تبلیغاتی می‌کنند. ان شاء... کرونا تمام شود و مجدد به صحنه تئاتر برگردم.

تصویری از تئاتر «طلای رشید» / عکس: ایمنّا

سند و فاکتور فروش خودرو سواری چری مدل ۱۳۹۵ به شماره انتظامی ۸۴ب۳۴۷-ایران ۱۰ به شماره موتور MVM484FTAG013497 و شماره شاسی NATGBATL2G1010240 به نام باسَم کریمیان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه مالکیت خودرو سواری کیا CERATO2000، مدل ۱۳۹۵، رنگ نوک ممدادی متالیک، شماره موتور G4KD/FH556970 شماره شاسی NAS621200G1012089 به نام تورج کوهی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و کلیه اسناد و تاییدیه نقل و انتقال خودرو پژو ۲۰۶ هاج بک، مدل ۱۳۸۱، به رنگ مشکی متالیک، شماره انتظامی ایران ۶۷-۵۷۶ ط ۷۱ شماره موتور 10F5E24100684، شماره شاسی 81629485 مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودرو سیتروئن زانتیا سوپرلوکس، مدل ۱۳۸۲، به رنگ نقره‌ای سیر، شماره انتظامی ایران ۵۳-۵۶۱ د ۹۵ شماره موتور 02007265، شماره شاسی S1512282111028 به نام سیدمهدی شاه‌زیدی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.